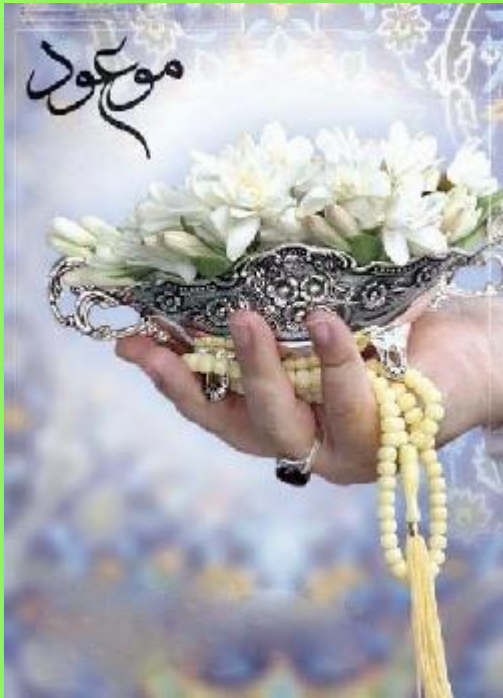


من لازم است از ملت عزیزمان تشکر کنم؛ هزار بار باید تشکر کنم. نه یک بار. ملت. حقیقتاً یک ملت رشید. وفادار. با بصیرت. با همت. زمان شناس. لحظه شناس [است] که میدانند لحظه‌ی حرکت کی است.



از نو شکفت نرگس پیشم انتظاری ام
گل کرد فار فار شب بی قراری ام
تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو
دیدم هزار پیشم در آیینه کاری ام
گر من به شوق دیدنت از فویش می (روم)
از فویش می (روم) که تو با فود بیاری ام
بود و نبود من همه از دست رفته است
باری مگر تو دست بر آری به یاری ام
مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری ام
تا شامل نگاه تو چون موج بی قرار
با رود رو به سوی تو دارم که جاری ام
**با ناختم به سنگ نوشتیم : بیا . بیا
زان پیشتر که پاک شود یادگاری ام**

این حرکت عظیم منسجم مردمی در مقابل توطئه‌ی دشمن، با این نظم، با این بصیرت، با این شور، با این انگیزه در هیچ جای دنیا نیست؛ و این چهل سال است که ادامه دارد، بحث یک سال و دو سال و پنج سال و مانند اینها نیست؛

نبرد ملت با ضد ملت است، نبرد ایران با ضد ایران است، نبرد اسلام با ضد اسلام است؛ این [نبرد] ادامه داشته و البته بعد از این هم خواهد بود؛

منتها سرگرم شدن ملت ایران به مبارزه و ایستادگی و استقامت، موجب نشده است که از بقیه‌ی ابعاد و زوایای زندگی غافل بشوند.

[پلکه] همین جوانهای شما، بچه‌های شما پیشرفتهای علمی را به وجود آورده‌اند، همین مأموران شما کارهای بزرگ [برای] آبروی ملت ایران در کشور و در منطقه انجام داده‌اند.

یعنی ملت نشان داد که یک ملت زنده است، یک ملت بانشاط است،

یک ملت باخدا است، و خدا هم کمک میکند.

خب، در واقع همه‌ی حرکاتی که دشمن در این چهل سال در مقابل ما انجام داده است، پاتک انقلاب است.

انقلاب ریشه‌ی دشمن را از لحاظ سیاسی در کشور کند، و دشمن حالا مرتباً پاتک میکند و در هر دفعه هم شکست میخورد؛ اقدام میکند و نمیتواند؛ نمیتواند پیش ببرد؛ به خاطر ایستادگی، به خاطر این سد محکم مردمی و ملی؛ این بار هم ملت، با قدرت تمام به آمریکا و به انگلیس و به لندن نشین‌ها میگوید:

این دفعه هم نتوانستید. باز هم نخواهید توانست. میلیاردها دلار هزینه کردند - [این] واقعی است که میلیاردها هزینه کردند - سالها شبکه سازی کردند. مزدورپروری کردند برای اینکه بتوانند از درون کار را مشکل کنند.



به سر موی دوست دل بستم
رفت عمر و هنوز پا بستم
کم ما گیر و عذر ما بپذیر
بیش از این بر نیامد از دستم
بیش از این خواستم . ولی چه کنم ؟
چه کنم ؟ چون نمی توانستم
مگر این چند روزه در یابم
پله تا در نرفته از شستم
تو به فکر منی همیشه و من
تا به تو فکر می کنم ، هستم

دیگران گرز بی خودی مستند

من از این خود . از این خودی مستم

رو به سوی تو مستقیم . دلم این طرف . آن طرف ندانستم

جز همین زخم خوردن از چپ و راست زین طرفها چه طرف بر بستم ؟

جرم این بود : من فوادم بودم جرم این است : من فوادم هستم.

[قبلاً] نمیگفتند؛ مسئولین امروز آمریکا که خب ساده لوحی شان در امور سیاسی آشکار است، لو دادند خودشان را و گفتند «از بیرون نمیشود با ایران دست و پنجه نرم کرد، از درون باید خرابش کنیم»؛ یعنی همین کاری که چند سال است دارند میکنند: شبکه سازی،

مزدورسازی؛ بعد برای مخارجش سرکیسه کردن دولتهای وابسته، سانند اینجا و سراغ فلان دولت ثروتمند بولداری خلیج فارس بروند و سرکیسه کنند آنها را برای اینکه بتوانند مخارجشان را اینجا و جاهای دیگر روبه راه کنند؛ زباله های فراری از ایران را بازیافت کنند، آنها را دوباره وارد میدان کنند، اگر بشود بازیافتشان کرد؛

هزاران شبکه ای مجازی راه انداختند، ده ها کانال تلویزیونی به راه انداختند، کانالهای ماهواره ای به راه انداختند؛ جوخه های ترور و انفجار درست کردند و به داخل مرز فرستادند، چه از جنوب شرقی، چه از شمال غربی؛ بمباران دروغ و تهمت و شایعه را روی سر این ملت ریختند، شاید بتوانند افکار این مردم را، بخصوص جوانان نوری ما را عوض کنند -

جوان عزیز ما، این جوانی که نه امام را دیده، نه انقلاب را دیده، نه دوران دفاع مقدس را دیده، نه شهدای نامدار بزرگ ما را دیده، روی ذهن اینها [میخواستند] اثر بگذارند؛ نتیجه اش چه میشود؟ [میشود] شهید حججی؛ این شهید عزیز اخیر نجف آباد و شهدای دیگری که در این دو سه روز شهید شدند؛ اینها همه همین جوانها بودند.

و تطمیع کسانى در داخل؛ نفوذ در برخى از ارکان؛ [البته] خودشان مستقیم هم وارد میشوند، شما دیدید -بعداً عرض خواهم کرد-

دخالت‌های مسئولان آمریکایی را در این چند روز به وسیله‌ی همین شبکه‌های اینترنتی و امثال اینها؛

اما [باز هم نتوانستند؛ با همه‌ی این تلاشها ناکام ماندند.

حرف همیشه‌ی ملت ما همین است؛ حرف ملت عزیز ما، قشرهای ما، شهرهای مختلف ما، جوانهای ما، حرف انقلاب و نظام اسلامی و ایستادگی در مقابل زورگویی و زیر بار تحمیل قدرتها نرفتن است. حرف ملت در تمام این سالهای متمادی یک حرف بود و امروز که چهل سال از آن روزها میگذرد،

ملت ما همان منطق، همان مسیر، همان هدف را دنبال میکند؛ منتها امروز پخته‌تر است،

باتجربه‌تر است، واردتر است.

از لحاظ انگیزه هم اگر نگوییم امروز جوانهای ما پُرانگیزه‌تر از آن روز هستند، حداقل مثل همان انگیزه‌ها را دارند، علاوه بر اینکه پرتعدادترند؛

یعنی امروز تعداد جوانهای مؤمن پُرانگیزه‌ای که حاضرند در میدانهای خطر سینه سپر کنند،

چندین برابر جوانهای ما در آستانه‌ی انقلاب و در سالهای اول انقلاب است؛

این خطّ مستمرّ این کشور است.

من لازم است از ملت عزیزمان تشکر کنم؛ هزار بار باید تشکر کنم. نه یک بار.

ملت، حقیقتاً یک ملت رشید، وفادار، با بصیرت، باهمت، زمان شناس، لحظه شناس

[است] که میدانند لحظه‌ی حرکت کی است.

روز پنجشنبه در مشهد آن قضایا شروع شد؛ روز شنبه آن راه‌پیمایی عجیب [برگزار شد] که شاید چند سال بود با این شور و هیجان در مشهد راه‌پیمایی نشده بود؛ بعد، یکی دو روز کارهای پراکنده‌ی دیگری انجام گرفت که همه مطلعید؛ بعد، از سیزدهم دی تا هفدهم دی، حداقل پنج روز پشت سر هم [مردم به میدان آمدند].

واقعاً وفاداری ملت، لحظه‌شناسی ملت، [اینکه] بدانند هر زمانی چه کار میخواهند

بکنند [قابل تشکر است].

خب، دیگران این پیامها را میگیرند؛ بله در تبلیغاتشان، صدها نفر اخلاک‌گر و تخریب‌کننده را هزاران نفر نشان میدهند، [اما] حرکات میلیونی ملت را در تظاهرات به‌عنوان یک گروه [کوچک] یا چند هزار نفر معرفی میکنند! در تبلیغات این‌جوری میگویند، اما میفهمند؛ صاحبان سیاستهایشان می‌بینند، [ولی] به رو نمی‌آورند؛ یعنی

ملت کار خودش را میکند، تأثیر خودش را میگذارد، رُعب خودش را در دل

سیاست‌گذاران دشمن نفوذ میدهد با این حرکت عظیمی که انجام میدهد. ملت

بصیرتشان را واقعاً به اوج رساندند؛ حقیقتاً این ملت به اوج رساندند بصیرت خودشان

را و در این چند روز انگیزه‌ی خودشان را خوب نشان دادند.

اما [تحلیل؛ در این روزها تحلیل‌های گوناگونی از طرف اشخاص مختلف و جناحها، در روزنامه‌ها، در شبکه‌های اینترنتی نسبت به این قضایا انجام گرفت؛ در این تحلیل‌ها یک نقطه‌ی تقریباً مشترکی وجود داشت که آن نقطه، نقطه‌ی درستی است و آن تفکیک بین مطالبات صادقانه و به‌حق مردم و حرکات وحشیانه و تخریب‌گرانه‌ی یک گروه است؛ اینها از هم باید تفکیک بشود....



ز بس بی تاب آن زلف پریشانم، نمی دانم

مبارم، موج سرگردان طوفانم؟ نمی دانم

مقیقت بود یا دور و تسلسل ملقه ی زلفت؟

هزار و یک شب این افسانه می فوانم، نمی دانم

سراسر صرف شد عمرم همه ممو نگاه تو

ولی از نموه ی پیشمت چه می دانم؟ نمی دانم

چه اشکی سرزده یک لمظه از پیشم تو افتادم

چرا در فانه ی فود عین مهمانم؟ نمی دانم

ستاره می شمارم سال های انتظارم ره هزار و سیصد و پنجدین و پندانه؟ نمی دانم

نمی دانم بگو عشق تو از جانم چه می فواهد؟ چه می فواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی دانم

نمی دانم به غیر از این نمی دانم، چه می دانم؟ نمی دانم، نمی دانم، نمی دانم

...من عرض بکنم به شما؛ یک مثلثی در این قضا یا فعال بوده است. مال امروز و دیروز هم نیست؛ این سازمان دهی شده بوده است. اینهایی که عرض میکنم، همه قرائن اطلاعاتی دارد؛ حالا بعضی آشکار است و حرفهای خودشان است، بعضی هم از طرق اطلاعاتی به دست آمده است. یک مثلثی فعال بودند؛ نقشه مربوط به آمریکایی ها و صهیونیست ها است؛ نقشه را آنها کشیدند. چند ماه هم هست دارند نقشه میکشند.

الحمد لله الذي جعل اعدائنا من الحمقاء؛ خدا را شکر! با این همه حوادث پی در پی، هنوز این ملت را شناخته اند. هنوز نفهمیده اند این سد محکم ایمان ملی و ایستادگی ملی و شجاعت ملی معنایش چیست؛ به اعماقش نرسیده اند.

اما آمریکا؛ آمریکا عصبانی است، بشدت عصبانی است. از که عصبانی است؟

فقط از این حقیر که عصبانی نیست، از شما هم عصبانی است؛ از ملت ایران عصبانی است، از

حکومت ایران عصبانی است، از انقلاب ایران عصبانی است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه شکست

خورده؛ از این حرکت عظیم شکست خورده.

...حکومت ایران متولد این مردم است، مال این مردم است، به وسیله ی این مردم به وجود آمده،

تکیه ی به این مردم میدهد؛ چرا بترسد؟ اگر این مردم نبودند که حکومتی نبود؛ اینکه چهل سال

این حکومت در مقابل شما ایستاده، به کمک این مردم ایستاده؛

مردم بودند که توانستند کمک کنند به حکومت که بتواند در مقابل شما ایستد. میگوید که «حکومت ایران از قدرت آمریکا هراس دارد»؛

خب اگر ما از شما هراس داریم چطور دهه ی ۵۰ شما را از ایران بیرون ریختیم و دهه ی ۹۰ شما را

از کل منطقه خارج کردیم.

..مردم ایران با عزت و شرف زندگی کرده اند، ان شاء الله به توفیق الهی، به کمک الهی روز به روز

هم بهتر خواهند شد، مشکلات اقتصادی شان هم به کوری چشم شما بر طرف خواهد شد.

.....هدف نهایی آنها معلوم است؛ البته دولت قبل آمریکا این را به رونمی آورد، خلاف این را میگفت؛ [اما آنها

هم هدف شان همین بود: براندازی جمهوری اسلامی.

دولت قبلی اصرار میکرد، تکرار میکرد که ما جمهوری اسلامی را قبول داریم؛ به بنده هم چند نامه نوشت و در این نامه‌ها هم همین را مدام تکرار کرده که ما جمهوری اسلامی را قبول داریم؛ لکن خب ما میدیدیم؛ آدم چشمش باز است، ملتفت میشود؛ رفتار، رفتار براندازی بود، اینها که دیگر حالا همین‌طور صریح و بدون هیچ ملاحظه‌ای همین حرفها را بیان میکنند، میگویند که باید جمهوری اسلامی را براندازی کنیم؛ هدف این است.

خب وسیله چیست؟ درست به این [نکته] توجه بفرمایید! وسیله‌شان این است که ابزارهای اقتدار ملی را از جمهوری اسلامی بگیرند. اقتدار ملی ابزارهایی دارد: یکی از مهمترین ابزارهای اقتدار ملی عواطف مردم و افکار عمومی مردم است که در جهت صلاح و حکمت مردم و حکومت حرکت میکند؛ این افکار عمومی است، میخواهند این را از جمهوری اسلامی سلب کنند. یکی از ابزارهای اقتدار ملی ما -حالا این را بخصوص من اسم می‌آورم برای اینکه اینها زیاد تکرار میکنند- همین حضور ما در منطقه است؛ حضور قدرتمندانه‌ی جمهوری اسلامی در منطقه، یکی از ابزارهای اقتدار ملی است؛ ملت را قدرتمند نشان میدهد و واقعاً هم هست؛ میخواهند این را از بین ببرند.

یکی از ابزارهای اقتدار ملی قدرت دفاعی کشور است؛ این را میخواهند از جمهوری اسلامی بگیرند. اینکه می‌بینید این قدر روی مسئله‌ی موشک هیاهو میکنند، جنجال میکنند، به خاطر این است. اگر چنانچه یک ملتی توانست به کسی که از راه دور به او موشک پرتاب میکند، پاسخ مناسب بدهد، خب این یک اقتدار است؛ این اقتدار را امروز جمهوری اسلامی دارد و اینها میخواهند نداشته باشد؛ ابزارهای اقتدار ملی را میخواهند بگیرند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی، جوان مؤمن ما است؛ میخواهند این ایمان را از جوان بگیرند. این جوان مؤمن است که در مسئله‌ی هسته‌ای، در مسئله‌ی پیشرفته‌ی علمی، در نانو، در رویان، در بقیه‌ی بخشهای علمی بیدار خوابی میکشد، سختی میکشد تا اینکه یک پیشرفت علمی را به نهایت برساند؛ این جوان مؤمن است، اینها بچه‌های مؤمن ما هستند و خیلی از اینها را ما از نزدیک می‌شناسیم. اینها میخواهند این ایمان را از این جوان بگیرند، انگیزه را میخواهند از این جوان بگیرند.

آنهايي هم که دوست میدارند با آمریکایی‌ها بنشینند و برخیزند و شب‌نشینی کنند و با آنها پیوند بخورند -چه از خارج از ایران. چه حالا متأسفانه بعضی‌ها هم در داخل که ممکن است این جور فکر کنند. حرکت کنند- اینها هم همین حرفی که به آن حضرات گفتیم بشنوند.

بدانند که این ملت و این نظام محکم ایستاده است و به توفیق الهی همه‌ی مشکلات و ضعفها را برطرف خواهد کرد. این نظام توانایی این کار را دارد و ان‌شاءالله خواهد کرد.

.....نکته‌ی بعدی این است که همه یا هم باشند؛ مسئولین کشور همه با هم باشند. بله، هر بخشی از کشور، یک حوزه‌ی مسئولیتی دارد که جوابگو باید باشید، آن حوزه‌ی دیگر به این ربطی ندارد؛ این را میدانیم. مجلس شورای اسلامی، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخشها و نهادها، هرکدام یک حوزه‌ی مسئولیتی دارند، کار حوزه‌ی دیگر به آنها مربوط نیست، از آنها سؤال نمیشود؛ لکن این مال حالت عادی است.

وقتی که شما می‌بینید دشمن دارد تهدید میکند شما را -دشمنی لجباز، لجوج- و مشکلاتی به وجود می‌آورد با کارهایی که کرده‌اند در داخل کشور، بایستی همه با همدیگر همدست باشند، همه کنار هم بایستند.

این را من به همه عرض میکنم؛ هم به مسئولین کشور، هم به همین مجموعه‌های سیاسی کشور. همه با هم همکاری کنند، تلاش کنند، هم‌افزایی کنند، یکدیگر را تحلیل نبرند. این جور نباشد که این یکی یک حرفی بزند که این دیگری را تحلیل ببرد، این هم باز یک حرفی بزند که آن را تحلیل ببرد. هم‌افزایی کنند! نظام یکپارچه است؛ نظام جمهوری اسلامی یک نظام یکپارچه است. بله، همه‌ی بخشها مسئولیت‌هایی جداگانه‌ای دارند اما نظام، یک نظام است، قوه‌ی مجریه هم مال همین نظام است، قوه‌ی قضائیه هم مال همین نظام است، قوه‌ی مقننه هم مال همین نظام است، نیروهای مسلح هم مال همین نظامند، نیروهای امنیتی هم مال همین نظامند، دستگاه‌های علمی هم مال همین نظامند؛ همه با همند.

نکته‌ی بعدی: همه قانون را معیار بدانند؛ ما از بی‌قانونی ضرر میکنیم، ضربه میخوریم.

...توصیه‌ی بنده، تأکید بنده، طلب بنده از دستگاه‌های مختلف، این است که همه تسلیم قانون باشند.

یک نکته‌ی دیگر اینکه انتقاد کار خوبی است و کار لازمی است، تذکر کار خوبی و کار لازمی است، اما تذکر و انتقاد را به صورت «یک کلاغ چهل کلاغ» مطرح نکنند. ...تذکر اگر می‌دهیم، انتقاد سیاه‌نمایی یعنی همین «یک کلاغ چهل کلاغ»؛ این سیاه‌نمایی است. نکته‌ی بعدی این است که مسئولین کشور بایستی به مسئله‌ی اشتغال و تولید -که ما امسال را سال اشتغال و تولید داخلی قرار دادیم- اهمیت بدهند؛ اینها مسائل کلیدی است. به مردم عرض میکنم که خدا از شما راضی باشد؛ خوب عمل کردید؛ خوب عمل کردید. در طول این سالها هر جا کشور نیاز داشت، شماها وارد شدید؛ بی‌مُت، بی‌توَقّع، با بصیرت وارد میدان شدید. مَلّت عزیز ما خیلی خوب عمل کرد. خداوند ان‌شاءالله توفیقاتش را، رحمتش را، فضلش را بر این مَلّت نازل کند. سینه سپر کردید، این کشور را شما نجات دادید؛ مَلّت ایران نجات داد. هم در قضایای دفاع مقدّس که مَلّت نجات داد، هم در قضایای سیاسی، هم در قضایای علمی. علم را [هم] جوانهای شما پیش بردند. همین‌طور که اشاره کردم، در این دستگاه‌هایی که پیشرفت علمی هست، بیشتر این جوانهای مردمند، [یعنی] همه‌ی آنها جوانهای مردمند، بچه‌های شما هستند که دارند کار علمی میکنند. حضور شما به کشور آبرو داده است. هر جا حضور مردم لازم است - حالا چه بیست و دوّم بهمن، چه روز قدس، چه در قضایایی مثل نهم دی و امثال اینها - مردم حاضر میشوند؛ آبرو دادید به [کشور]. در انتخابات، در راه‌پیمایی‌ها، در هر جا که حضور مردمی لازم بوده است، حضور مردم توانسته است [تأثیر بگذارد]؛ آبروی کشور را شما حفظ کردید....

...و امید و نگاه بنده نسبت به آینده‌ی این کشور خیلی روشن است. بنده میدانم که خدای متعال اراده فرموده است که این مَلّت را به متعالی‌ترین درجات برساند و بدانید که ان‌شاءالله مَلّت ایران به برکت اسلام. به برکت نظام اسلامی. بدون تردید به عالی‌ترین درجات یک مَلّت در حدّواندازه‌ی مَلّت ایران خواهد رسید و بدانید که توطئه‌ی دشمن. خرابکاری دشمن. حمله‌ی دشمن. ضربه‌ی دشمن هیچ اثری نخواهد داشت و به معنای واقعی کلمه. دشمن هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.



**این حنجره این باغ صدا را نفروشید
این پنجره این خاطره‌ها را نفروشید
در شهر شما باری اگر عشق فروشی است**

هم غیرت آبادی ما را نفروشید

تنها، به فدا دلفروشی ما به دل است

صندوقچه راز فدا را نفروشید

سرمایه دل نیست بجز اشک و بجز آه

پس دست کم این آب و هوا را نفروشید

در دست فدا آینه ای جز دل ما نیست

آینه شما یید، شما را نفروشید

در پیله پروانه بجز کرم نلولد

پروانه پرواز رها را نفروشید

یک عمر دویدیم و لب چشمه رسیدیم

این هروله سعی و صفا را نفروشید

دور از نظر ماست اگر منزل این راه

این منظره دورنما را نفروشید ...

